

سهم عرفا در گسترش آداب اجتماعی اسلام در بنگلادش

<?xml encoding="UTF-8?">

در مناطق مختلف شبه قاره هند متصوفانی می زیسته اند که فعالیتهای معنوی و روحانی آنها در این مناطق گسترش و آثار اخلاقی و معنویشان در این مناطق به جای مانده است . در بنگال نیز گروه زیادی از متصوفان فوق زندگی می کرده اند. نفوذ اینان در بنگال بیش از مناطق دیگر بوده است کثرت مسلمانان و طبع صوفیانه مردم آن منطقه گواه این مطلب است .

عرفای بنگال از راههای مختلف به اسلام و جامعه خود خدمات بسیاری کردند، صدها نفر از مریدان و پیروانشان طی ادوار مختلف وارد بنگال شدند و به شهرها و روستاها و حتی به دورترین نقاط این منطقه راه یافتند، در ترویج دین و حمایت از آن کوشیدند و مردم را به تصوف و روحانیت تشویق کردند.

هر کجا متصوفان وارد می شدند به واسطه حسن اخلاق و قدرت فوق العاده روحانی و همچنین رفتار شایسته ، عواطف و انسان دوستی و فرهنگ اسلامی، توده های غیرمسلمان مانند بوداییها و هندوها به سوی اسلام روی می آوردند. اسلام در حوالی مالدی و دیناج پور، واقع در شمال بنگال ، در نتیجه فعالیتهای شیخ جلال الدین تبریزی و پیروان او، توسعه و ترویج یافت .

گفته اند که وقتی شیخ جلال الدین تبریزی به پندوا وارد شد، مردم دسته دسته به سوی او می آمدند و در حضورش اسلام می آوردند. همچنین صوفی بزرگ شیخ سراج الدین اخی و شیخ نور قطب عالم ، در شمال بنگال ، عده بسیاری را در حلقه اسلام درآوردند. طبق روایت ابن بطوطه اهالی سلطنت در نتیجه تبلیغات دینی شاه جلال الدین مجرد مسلمان شدند. ادبیات محلی روایت ابن بطوطه را تصدیق می نماید. ترانه محلی حکایت می کند که در سلطنت صدها نفر هندو بودند، که در بین آنها حتی یک نفر مسلمان هم دیده نمی شد، لیکن این شاه جلال مجرد بود که در آغاز مردم را به نماز خواندن دعوت کرد.¹

توسعه اسلام در کهولنا و جیسور به واسطه فعالیتهای خان جهان علی (متوفای 863 ق) انجام گرفت . مناطق چاتگام و نواکهالی در اواسط قرن هشتم قمری به دست مسلمانان فتح شد که هنوز هم کثرت مسلمانان در این منطقه به خوبی پیداست. عرفای اسلام به مناطق غیر اسلامی نفوذ پیدا کردند و به آرامی و به طور نامحسوسی دین اسلام را بین مردم ترویج دادند.

از ادبیات بنگالی چنین بر می آید که در سال 678 قمری (1280 میلادی) شیخ شرف الدین ابوتوامه (ابوتوامان)، خانقاه مرکز تربیتی سنارگاوه را تأسیس نمود. وجود این مرکز تربیتی برای پیشرفت علوم اسلامی، این امر را به اثبات می رساند که قبل از ورود شیخ ابوتوامه، عده ای از مسلمانان در آنجا می زیسته اند.

گذشته از توسعه دین اسلام ، روحانیان دینی نقش برجسته ای در گسترش و تحکیم حکومت اسلامی در بنگال ایفا نمودند این امر یا به دست خود متصوفان و یا از طریق همکاری با سرداران اسلامی انجام می شد و متصرفات اسلامی به دورترین مناطق کشیده شد. روایات محلی راجع به متصوفان مانند بابا آدم شهید، شاه سلطان ماهی سوار و مخدوم شاه دوله شهید و غیره که به خاطر دین اسلام، علیه راجگان هندو بپاخاستند، چنین می نماید که عده ای از روحانیان به حکمرانان و سرداران اسلامی ملحق شده اند، تا مملکت اسلامی را توسعه دهند. اینان همچنین از نارواییها و اجحافات که هندوها بر اتباع روا می داشتند، جلوگیری به عمل آوردند.

شرکت متصوفان در ارتش اسلام ، باعث تهییج روحی و اخلاقی سربازان می گردید. در نتیجه قوای اسلامی بر توده های غیرمسلم پیروزی می گردیدند. ظفر غازی² و شاه صفی الدین³ علیه راجای هندو ستگاه قیام کردند و آن منطقه را جزو قلمرو اسلامی بنگال درآوردند. شاه جلال مجرد سلطنتی و یارانش با قوای سکندر غازی همکاری کردند و علیه راجای سلطنت قیام کردند و سلطنت اسلامی را در آنجا بنیاد نهادند. بنا به روایات این موضوع حقیقت دارد که خان جهان علی، روحانی شجاع، مبارزه ای اصولی را به منظور دستیابی به قلمرو کهولنا و جیسور آغاز نمود و آن منطقه را تحت نفوذ اسلام درآورد. کمک و مساعی شاه اسماعیل⁴ غازی نیز در توسعه پادشاهی سلطان باریک کاملاً روشن است . این شخص با موفقیت با راجای اُریسه جنگ کرد و مندران، حیطه پادشاهی او را به تصرف درآورد. همچنین در جنگ علیه راجای کامروپ (آسام) به فتوحات بزرگی نایل آمد.

همچنین در دورانهای فترت ، روحانیان به حکومت و جامعه اسلامی خدمات بسیاری نمودند. در روایات آمده است که چگونه متصوفان در مقابل مصیبت و بدبختیها قد علم می کردند و با نیروی معنوی و اخلاقی خود اعمال ستمگرانه رؤسای هندو را دفع می کردند. شیخ نور قطب عالم، دولت بنگال را از یک مصیبت بزرگ نجات داد. راجاکنس (گنیش) علما و شیوخ را آزار می رسانیده سرانجام مسلمانان بنگال با مصیبتی بزرگ رو به رو گردیدند در ایام فترت ، جامعه بنگال به وسیله شیخ نور قطب عالم از بدبختی نجات یافتند. وی به اختلافی که بین مسلمانان بود خاتمه داد و ایشان را برای یک هدف مشترک متحد ساخت . او از ابراهیم شرقی⁵ سلطان جون پور برای حفظ مسلمانان بنگال کمک خواست. می توان گفت که در آن دوره تاریک، شیخ نور قطب عالم حکومت و زندگی اجتماعی مردم را بر عهده داشت و خدمات و مساعی وی به جامعه مسلمانان روح تازه ای بخشید. حقیقتاً سهم او در پیشرفت سیاسی مسلمانان و زبان فارسی بنگال اهمیت فراوانی دارد.

متصوفان همواره صرفاً تبلیغات دینی را در نظر داشتند و در کارهای اداری و سیاسی دولت دخالت نمی کردند، اما هنگامی که جامعه را در خطر می دیدند، برای رفع آن بلافاصله اقدام می کردند. شیخ علاءالحق نخستین کسی بود که سلطان سکندر شاه را از خطرات ملت آگاه کرد، ولی سلطان نامبرده توجهی نکرد و از ترس شیخ علاء الحق که نفوذ و تأثیر بیشتری در جامعه هندو داشت ، سکندر شاه (758 - 792 ق، 1357 - 1389 م) وی را به سنارگاوه تبعید کرد. واقعیات بعدی نشان می دهد که حق با شیخ علاء الحق بود.

مولانا مظفر شمس بلخی ، خلیفه روحانی مخدوم الملک، شیخ شرف الدین احمد بن یحیی منیری، در مکتوبی که به سلطان غیاث الدین اعظم شاه (791 - 812 ق، 1389 - 1409 م) پسر و جانشین سلطان سکندر شاه نوشته است با گواه آوردن چند آیه از قرآن مجید و احادیث ، او را از دوستی با اشخاصی که به خدا ایمان ندارند برحذر می دارد و از به کار گماردن چنین اشخاصی به مقام های حساس دولتی نهی می کند. وی از قول مشایخ و صوفیه نیز دلایلی آورده است که منکران خدا را نمی توان به مقام وزارت گمارد یا معتمد خود دانست .

چنان که از شرح احوال و افکار صوفیه در بنگال برمی آید، بیشتر ایشان در علوم اسلامی دارای درجه ممتازی بودند و برای مریدان و جانشینان روحانی پیش از بیعت، تحصیلات علوم اسلامی را لازم می دانستند به طوری که از شرح زندگانی حضرت اخی سراج الدین عثمان ظاهر می شود⁶ پیش از بیعت به دست شیخ نظام الدین اولیا در دهلی تصمیم گرفت که به تکمیل علوم اسلامی بپردازد تا منازل روحانی را زودتر ببیماید. در زمان قدیم در سراسر شبه قاره ، اکتساب علوم اسلامی برای صوفیه اجباری بود. می توان گفت که خانقاه های متصوفان، مهم ترین مرکز فرهنگ و تمدن اسلامی بود که در آنجا شاگردان در دروس علوم دینی و روحانی حضور می یافتند.

در سطور زیر چند مرکز علمی اسلامی را شرح می دهیم که دور و بر آنها خانقاه های صوفیه به وجود آمد و بنگال و

شمال هند را از سرچشمه علم و تصوف مستفید نمود.

بنا به نوشته شاه شعیب،⁷ شیخ یحیی منیری، پدر مخدوم الملک شیخ شرف الدین احمد، در «ماهیسون» تحصیلات خود را در محضر مولانا تقی الدین عربی به پایان رسانید به احتمال قوی ماهیسون اسم قدیم ماهی سنتوش است که اکنون در شهرستان راجشاهی است، و پیش از 1947 میلادی به شهرستان دیناجپور ملحق بود،⁸ به طور یقین نمی توان گفت آیا مولانا تقی الدین عربی در آنجا مدرسه ای بنا کرد یا خیر، ولی بدون شک وی به تدریس علوم دین مشغول بود و دانشجویان، مثل شیخ نامبرده، از خارج بنگال برای کسب علم بدانجا روی می آوردند.

مولانا شیخ شرف الدین ابوتوامه (توامان) که در ربع آخر قرن هفتم هجری قمری (سیزدهم میلادی) یکی از علما و مشایخ متبحر بنگال به شمار می رفت، در سنارگاؤه، مرکز تربیتی خود را تأسیس نمود، که از هر گوشه و کنار حتی از شمال هند، عده کثیری از دانش آموزان به آنجا روی آورده و مشغول تحصیلات علوم دینی شدند. علاوه بر این، شیخ ابوتوامه کتابی در موضوع تصوف به نام مقامات به فارسی به رشته تحریر درآورد که بین علما و مشایخ شبه قاره معروفیت چشمگیری داشت. مخدوم الملک شیخ شرف الدین احمد ابن یحیی منیری، یکی از شاگردان بر جسته شیخ نامبرده است و کتب بسیاری به زبان فارسی، از نوع مکتوبات و ملفوظات و تألیفات و رسایل، در موضوع تصوف و علوم اسلامی دارد. که در نثر متصوفانه شبه قاره پاکستان و هند تاکنون از جایگاه بلندی برخوردار است. یکی دیگر از شاگردان مولانا ابوتوامه که اسمش معلوم نیست، راجع به موضوع فقه اسلامی کتاب مختصری به نام «نام حق» به فارسی ترتیب داده که مبتنی بر تعلیمات شیخ نامبرده است. دسته دیگری از متصوفان که در پیشرفت فرهنگ و تمدن اسلامی سهم به سزایی داشتند و در پندوا سرچشمه علوم دینی و روحانی شدند، عبارت اند از شیخ علاءالحق و شیخ نورقطب عالم که در قرن هشتم و نهم هجری قمری (قرون 14 و 15 میلادی) می زیستند. شهرت صوفیان فوق، توجه دانش آموزان و طالبان علوم اسلامی و تشنگان تصوف را از شمال هند و اطراف و اکناف مملکت بنگال به سوی پندوا جلب کرد. به عنوان مثال، می توان گفت که میرسید اشرف جهانگیر سمنانی، شیخ ناصرالدین مانکپوری، شیخ حسین دهکریپوش از شمال هند، نه فقط علوم اسلامی را در این مدرسه آموختند، بلکه علم تصوف را نیز فراگرفتند. شیخ نور قطب عالم نیز در پندوا مدرسه ای بنا کرد که در آنجا متصوفان معروفی مثل حسام الدین مانکپوری و شیخ کاکو، در تصوف و علوم اسلامی مدتی مشغول تحصیل بودند. مدرسه مزبور سپس از طرف سلطان علاءالدین حسین شاه (899 - 925 ق، 1493 - 1519 م) مورد توجه قرارگرفت و سلطان مزبور املاکی برای آن مدرسه وقف کرد. علاوه بر این، مکتوب نور قطب عالم که به نام بعضی از علما و شیوخ و مریدان نوشته شده، دارای اهمیت فراوانی است که از آن، تبحر و ذکاوت شیخ نامبرده در تصوف اسلامی و علوم دینی به حد کافی روشن می گردد.

خانقاه شیخ حامد، دانشمند معروف به هودامیان، در باگها - ناحیه ای در شهرستان راجشاهی - به صورت یک دستگاه علمی و روحانی توسعه یافت که ذکرش را شخصی به نام عبداللطیف در دوره شهنشاه جهانگیر در خاطرات خود آورده است.

خلاصه اینکه خانقاههای متصوفان بنگال بدون هیچ شک و تردیدی مرکز علوم دینی و فرهنگی و فارسی بوده است که نه فقط در حدود بنگال، بلکه در سراسر شبه قاره هند و پاکستان مشعل روحانیت و اسلام را درخشان و تابان نگاه داشتند. حقیقت آن است که متصوفان در پیشرفت آداب اجتماعی مردم بنگال از نظر فرهنگ و زبان فارسی سهم به سزایی دارند.

در خانقاه های صوفیه خدماتی نیز انجام می شد و مردم خداترس و پرهیزگار از آن سکون و اطمینان ذهنی و روحانی می یافتند. خانقاه صوفیه در آن دوره جنبه دیگری نیز داشت که عبارت بود از بیمارستان و دارالمساکین که در آن مراکز مردم مریض و ضعیف به وسیله شیوخ و مریدانشان نگهداری می شدند. در هر خانقاه لنگرخانه ای وجود داشت که در آنجا برای مساکین غذای رایگان فراهم می شد. هر لنگرخانه برای تأمین خرج خود موقوفاتی داشت که دارای درآمدی وافر بود. لنگرخانه شیخ جلال الدین تبریزی در تبریزآباد و لنگرخانه شیخ نورقطب عالم در پندوا از آن جمله بود. بنابراین می توان گفت خانقاه و لنگرخانه صوفیه برای مردم مسکین و نیازمند مرکزی اطمینان بخش بود و بدین واسطه، صوفیه به اجتماع مردم نزدیک تر می شدند.

در زمان سلاطین مسلمان فعالیت های متصوفان در بنگال روبه افزایش نهاد و بنابراین مردم بنگال مستقیماً تحت تأثیر صوفیه قرار گرفتند. شکی نیست که زندگانی صوفیه دارای جنبه روحانی و معنوی بوده است. اینان به دنیای مادی علاقه ای نداشتند و دین حنیف اسلام را یک دین ساده و مسلک صلح و دوستی می دانستند. در نتیجه همین فعالیت های مسلمانان، بنگالیان به تصوف و بی میلی به دنیای مادی گرایش یافتند.

در خانقاه ها مسلمانان و هندوان با هم گرد می آمدند و آزادانه به صحبت می پرداختند. بدین ترتیب در میان هر دو فرقه الفتی پدید آمد و هندوها و مسلمانها با یکدیگر در رشته اخوت پیوستند. به علت همین آزادی عمل، دسته تازه ای بنام سَنَیَپیر بوجود آمد که دارای میراث و فرهنگ مشترک است و نهضت دیگری به نام مذهب وشنو در جامعه هندوان بنگال توسط چیتنا⁹ آغاز گردید.

محبت و همدردی و خدمات بشری توجه هندوان را به طرف صوفیه جلب نمود و عده کثیری از آنان به دست متصوفان، اسلام را قبول کردند و دیگران اگر چه بر دین خویش باقی ماندند، اما به حلقه ارادات صوفیه درآمدند. در مزارت صوفیه هندوها نیز حضور می یافتند و برای تحصیل آرزوهای خود به توسط ایشان دست به دعا برمی داشتند. هلایدامیسرا در کتابی به نام شیخ شبهودیا می نویسد¹⁰ که غیر مسلمانان به شیخ جلال الدین تبریزی احترام فراوان می گذاشتند و در زمان آلام و مصایب از ایشان کمک می خواستند جالب توجه این است که زبان این صوفیان بیشتر فارسی بود.

پی نوشت ها :

1. بانگی مسلم پر بهاوا، دکتر محمدانعام الحق، کلکته، 1935 میلادی، ص 98.
2. مظفرخان غازی یکی از مبلغان اسلامی فاتح ستگاؤه است. او در زمان سلطان رکن الدین کیکاوس و شمس الدین فیروز شاه (698 - 713 ق . 1298 - 1313 م) استانداری ستگاؤه را به عهده داشت . تاریخ فرهنگی بنگال، ج اول، ص 13؛ آب کوثر، شیخ محمد اکرام، ص 321.
3. شاه صفی (قرن هفتم ق) از صوفیان سلسله قلندریه بنگال است که علیه ستمکاریهای حاکم ستگاؤه قیام کرد و بنا بر استدعای او سلطان بنگال، شمس الدین فیروز شاه، لشکرهايش را به آنجا فرستاد و راجای نامبرده شکست خورد. (ر.ک : تاریخ فرهنگی بنگال ، ج 1، ص 13 - 131.
4. شاه اسماعیل غازی در مکه چشم به جهان گشود و به عهد سلطان بنگالی رکن الدین باریک شاه (864 - 879 ق - 1459 - 1474 م ، برای اشاعه دین حنیف اسلام وارد لکهنوتی (پایتخت بنگال) شد. او به فتح مرزهای راجگان

هنود اُوريسه و کامروپ نايل آمد و از طرف سلطان باريك شاه لقب غازي يافت. وي به سال (878 ق - 1474م) به حكم سلطان نامبرده به قتل رسيد. پير محمد شطّاري كتابچه اي به نام رسالة الشهداء تأليف نموده است كه حاوي شرح زندگاني شاه اسماعيل غازي است. (ر.ك: تاريخ فرهنگي بنگال، ج اول، ص 134؛ آب كوثر، تأليف شيخ محمد اكرام ، ص.321

5. يكي از سلاطين شرقيه است كه به سال 803 ق - (1400 م) به سلطنت رسيد و به سال (844 ق - 1440م) در گذشت . (بزم صوفيه، تأليف صباح الدين عبدالرحمن ، ص 459)

6. مجله انجمن تحقيقات بهار پتنه، (انگليسي) 1956 ميلادي ، ص . 1 - 11.

7. مناقب الاولياء، (مراجعه به مکتوبات صدي)، از شيخ شرف الدين احمد منيري (پتنه)، 1286 ق - ص.339

8. تاريخ بنگال، ج دوم ، مرتبه جادونات سرکار، دانشگاه داکا، 1948 ميلادي.

9. در نتيجه و اثر نفوذ مسلمانان در جامعه هندوان، فرقه «ستيپير» به وجود آمد، هندوان اين فرقه به متصوفان مسلمان احترام فراوان مي گذاشتند و نه تنها معتقد به قواي روحاني ايشان بودند، بلکه از آنها خواستار دعا نيز مي شدند.

10. تاريخ فرهنگي بنگال، دکتر محمدعبدالرحيم کراچي، 1963 ميلادي، ج1، ص 149.

* فصلنامه دانش (نشریه رایزنی جمهوری اسلامی ایران در پاکستان/ اسلام آباد) شماره 23، پاییز 1369.

** استاد بخش زبانها، دانشگاه راجشاهی ، بنگلادش.